گزارش

پایاب و ارتباط آن با قنات

فاطمه دانش‌یزدی

برای معرفی بنر همیشه کلام را با عطش کویر می‌آمیزند و از دریچه رؤیایی سراب به سراغ ذاءهای تشنگی‌اش می‌روند و اینکه سرزمینی است خشک و همدرد و همنالهٔ با بیابان و توفان و پریشانی که شوره‌زارانش زلال چشمه‌های خروشان را می‌ظلبند و موج ریگ‌های روانش طراوت دل‌انگیز دریا را. مردان سخت‌کوش کویر همیشه به دنبال راهی بودند که این خاک تشنه را سیراب کنند و با دستان پرتلاش خود آب‌هایی را که در اعماق زمین خفته بود، دوباره زنده کنند و حیات و زندگی به آن ببخشند. به نظر می‌رسد یکی از ملزومات به هنگام طراحی قنات، تعیین جایگاه پایاب‌ها و نهایه نقشه اجرائی آن بوده است. با گسترش فضاهای شهری با تغییر کاربری فضاهای موجود آن، ساخت پایاب برای رفع نیازهای مجموعه جدید همواره مورد نظر بوده است. این سازه برای دسترسی انسان به کذرگاه زیرزمینی آب قنات است. پایاب عبارت است از کوره‌ای که به صورت مورب از سطح زمین به قنات گشوده شده و با پله‌هایی به کوره وصل می‌شود که بین مردم بزد به «پایّنه» نیز معروف است. آب جاری از قنات‌ها با کاریزها به جنت نوع وارد بناهای مختلف می‌شده است؛ یا به صورت نهری جاری و رویارا از داخل حیاط می‌گذشته است مانند آنچه در سال‌های ۵۱۹ هجری از مسجد مصلای بزد گذشته است یا اینکه نیاز به ساخت پایاب بوده است. شاید تفاوت این دو به دلیل قرارگرفتن مکانی بنا، نسبت به ارتفاع مسیر قنات بوده است. در مکان‌هایی که ظهور آب به سطح زمین با توجه به عمق قنات میسر بوده، آب ظهور می‌کرده، اما در مکان‌هایی که عمق قنات اجازه نمی‌داده است، مجبور به ساخت پایاب نشده‌اند. از طرف دیگر باید توجه داشت که پایاب، افزون بر دسترسی به آب قنات، محیطی بسیار خنک در شهرهای گرم و خشک با تابستانی طولانی و طاقت‌فرسا بوده است. خنکی هوای پایاب به‌گونه‌ای بوده که در تابستان‌ها نیز استقرار طولانی در آنها میسر نبوده است. به همین دلیل در خانه‌ها و مدارس به مکانی برای استراحت و کار تابستانی تبدیل می‌شده است. چنانچه از پایاب بزرگ مدرسه ضیائیه به‌عنوان مدرسه تابستانی نیز استفاده می‌شده است. برخی قنات‌ها در زیر مجرای زیرزمینی خود چندین پایاب داشتند که تعدادی خانوادگی و تعدادی برای استفاده همگان بوده است. در قنات‌هایی که از زیر باغ‌های محله‌های مسکونی شهرها و قصبات و آبادی‌های بزرگ می‌گذشته، در کنار میدان‌ها و صحن مساجد از آب آن استفاده می‌کردند. احداث پایاب‌های عمومی در محلات، برای دسترسی بیشه‌وران، کسبه و دیگر مردمان برای رفع نیازهای روزمره خویش از قبیل برداشت آب آشامیدنی، تجدید وضوء آب‌کشیدن لباس و نیازهایی از این قبیل و نیز آرمیدن در خنکای پایاب در کنار آب، از جمله کارهای خیر نایان بوده است. ساخت پایاب افزون بر مشکلات خاص خود، همچون حفر مسیر پلکان طولانی آن در دل زمین و اتاق یا فضای خاص آن که نیاز به خاک‌برداری زیاد به‌خصوص در فضای بادشده داشته، مستلزم حفر کانال‌های جدید از قنات به پایاب بوده است‌ حتی‌گردن نیوی از قنات به داخل پایاب با خرید سهام از مسئولان قنات صورت می‌گرفته است. به‌طور کلی پایاب‌ها در آن خارج می‌کند. خود برای دسترسی به آب قنات، معماری پیچیده‌ای ندارند؛ فضای اصلی پایاب یک اتاق است که به شکل‌های چهارکوش (پایاب خانه لاری‌ها و مدرسه ضیائیه) و هشت‌کوش (مسجد جامع محله وخانه رسولیان) دیده می‌شود. عناصر داخلی این اتاق درک، بنده‌های همدیگر و پوشش به چند بخش: درکف پایاب اصلی‌ترین عنصر یک خوش است. این خوش مدوبا چندوجهی دارای حفره‌هایی است که آب نهر قنات را از یک طرف به داخل می‌آورد و از طرف دیگر آن را خارج می‌کند. خود برای محدود کردن آب (پایاب مسجد جامع، خانه لاری‌ها، خانه رسولیان) با کمی برجستگی از کف زمین است (مسرد ضیائیه). لبه خوش از سنگ بود تا مقاومت بیشتری در برابر ضربات احتمالی داشته باشد. آجرها چلب است و نقل‌های تاریخی نیز آن را تائید می‌کنند. گذر دو نهر از دو مسیر به این حوض‌ها بوده است؛ مانند آنچه در مدرسه ضیائیه و مدرسه کمالیه اتفاق افتاده است. با توجه به این موضوع، در معماری پایاب‌ها کمتر تزیینی‌ی مشاهده می‌شود و تنها می‌توان به کاربندی‌های زیبا در پوشش پایاب‌ها مسجد جامع و مدرسه ضیائیه اشاره کرد. در وسط طاق، هواکش که به سطح بالا و معمولا به حیاط راه دارد، تعبیه شده است. ورود به پایاب به شکل‌های مختلف صورت گرفته است؛ برخی معمول در بناهای عمومی از حیاط است مانند مسجد جامع، مدرسه ضیائیه و خانه لاری‌ها اما در خانه ورود به پایاب از راهروی در زیرزمین است. پایاب‌ها پلکان‌های زیادی دارند و معمولا در میان مسیر بادگیرهایی با اتاقکی کوچک برای تهویه داشت که پایاب، افزون بر در بنده‌های عمودی پایاب انواع سنگ‌ها برای نشستن تعبیه شده است؛ برای بناهای عمومی این سکوها بیشتر می‌شود و گاهی صفحه‌های کوچک که کار اتاق کوچک را می‌کرده در نظر گرفته می‌شده است. در خانه رسولیان دو حفره بر بدنه عمومی پایاب دیده می‌شود؛ یک حفره تونلی است که چندین متر طول دارد و تا خانه‌های همسایه امتداد دارد و حفره دوم هواکشی است که از پایاب به زیرزمین بزرگ زیر تالار متصل است. باید توجه داشت که سطح زیرزمین از پایاب حداقل چهار متر بالاتر است. این هواکش باعث می‌شده که هوای گرم پس از خنک‌شدن از تونل حفرشده به زیرزمین حرکت کرده و باعث خنک‌ترشدن آن شود. پوشش پایاب‌ها از طاق‌های مقاوم بوده است. هرچند این طاق‌ها متحمل وزن خاک‌های روی آن نیست، اما می‌بایست آمادگی ریزش احتمالی زمین و در نهایت مقاومت کافی را داشته باشد. محیط داخلی پایاب به‌ویژه ساختمان زیرزمینی و در مجاورت با آب کاریز، در تمامی فصول سال تقریبا دمای ثابتی دارد که عموما حدود ۲۸ تا ۲۹ درجه سانتی‌گراد است؛ به همین دلیل در تابستان‌ها که هوای نواحی بیابانی داغ و نفس‌سوز است، محیط پایاب‌ها دارای خنکای آرام‌بخشی بوده و زیستن در فضای آن رنج گرما را از آن انسان می‌زداید و به کالبد خسته آرامش می‌دهد. بیشتر اهل خانه شب را در پایاب می‌خوابند. در این هنگام یعنی در تمامی روزهای اقامت در پایاب‌ها، اهالی خانه‌های مجاور از طریق مجرا و کوره قنات با یکدیگر ارتباط دارند. درخصوص نقش پایاب‌ها به‌عنوان مجموعه سازه‌های تدافعی و تمهیدات دفاعی شهر می‌توان گفت در هنگام محاصره و شهربندان، پایاب‌ها مانند باغه‌هاهای زیرزمینی و مطمئن برای اهالی شهر، این امکان را برای تشکیلات دفاعی و مدافعان شهر فراهم می‌کرد که بدون دغدغه از آسیب به مردم عادی و زن و فرزند و سالخوردگان، به وظیفه دفع دشمن بپردازند. تمهیداتی که به منظور بالابردن ضریب تدافعی و حفاظتی شهر بزد، یعنی شهری که در دشت و به دور از عوارض طبیعی بنا شده است، به شکل حیرت‌آوری مجموعه شهری را قابل دفاع کرده بود. علاوه بر برج و باروی و خندق شهر و کهن‌دژ، بافت تودرتو و کلافیچ گذرگاه‌ها، زیرقالی‌ها و سباط‌ها، طاق‌ها و تونل‌ها و کوچه‌ها و دیگر اجزای شهری به تدریج چنان با فرهنگ‌ها که ضمن تسهیل در عملکرد شهر از نظر ارتباط و پیوند اجزای شهر با یکدیگر، در هنگام ناامنی و یورش، نقش بازدارنده و تدافعی داشته باشند.

به این ترتیب، مهاجمانی که می‌توانستند از خندق و باروگذشته و وارد شهر شوند، در کوچه‌ها و گذرگاه‌ها، سباط و زیرطاقی‌ها و دربندها و گذرگاه‌های پیچ‌درپیچ شهر در کمین مدافعان شهر گرفتار می‌شدند. هجوم دسته‌جمعی و یکباره به داخل شهر غیرممکن بود؛ مجراها و کوره‌های کاریزی شهر مانند کاریز فیروزآباد و محمودآباد (آب قنات راج) و قنات دهباد به عنوان دهلیز ارتباطی محلات شهر و برزن‌ها و خانه‌های آن با یکدیگر از سویی و مجموعه شهر با خارج شهر و حومه آن از سویی دیگر عمل می‌کردند.

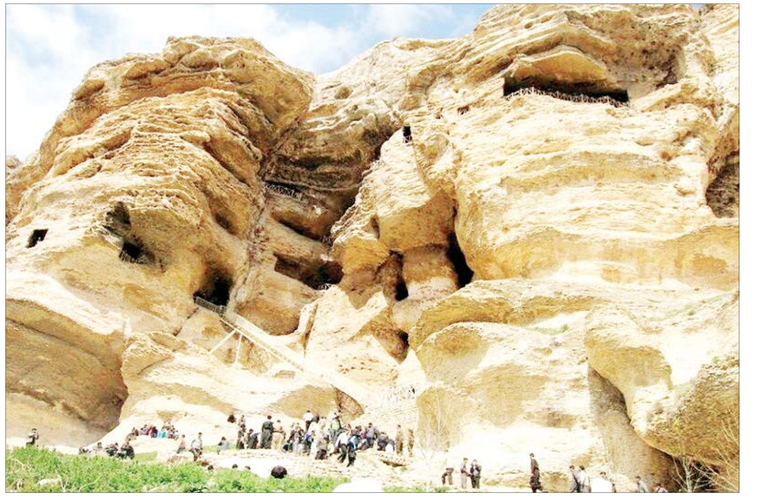

جامعه باستان‌شناسی ایران

تعرض به حریم و عرصه غار کرفتو را متوقف کنید

شرق: جامعه باستان‌شناسی ایران در نامه‌ای به علی دارابی، قائم‌مقام و معاونت محترم میراث فرهنگی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، خواهان توقف تعرض به عرصه و حریم «مجموعه تاریخی ـ طبیعی غار کرفتو» در استان کردستان شد.

در این نامه خطاب به علی دارابی آمده است: چنان‌که مستحضرید «مجموعه تاریخی ـ طبیعی غار کرفتو» در استان کردستان نامزد ثبت در فهرست میراث جهانی یونسکو شده است. علی‌رغم پیگیری، هشدار مراجع تخصصی و مردم‌نهاد، انجمن باستان‌شناسی ایران، انجمن غارنوردی و معاونت محیط‌زیست طبیعی و تنوع زیستی، درخصوص تعرض به عرصه و حریم محوطه باستانی کرفتو توسط کارگاه در حال ساخت بسته‌بندی حبوبات و بوجاری در ۷۰۰ متری مجموعه، در کمال ناباوری سخت‌گیری اعلام شد (ایزدی کل ثبت و حریم آثار، حفظ و احیای میراث معنوی و طبیعی) در مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۱۰ خطاب به آقای مصور مهرزاد (مدیر کل میراث فرهنگی کردستان) و رونوشت که از نامه زنبانی (مدیر کل امور اماکن و تشکل‌های مردم‌نهاد) موافقت خود را با دامه ساخت کارگاه فوق اعلام کرده است؛ بنابراین، بدین‌وسیله چند نکته اساسی به شرح زیر در مورد اعلام موافقت درخصوص زیرساخت برای احداث واحد بوجاری آقای بازرنده و اشکالات جانمایی کارگاه بسته‌بندی حبوبات و بوجاری در ۷۰۰ متری «مجموعه تاریخی ـ طبیعی غار کرفتو» جهت پیگیری و دستور اقدام مقتضی اعلام می‌گردد:

۱ـ چنانچه می‌دانید ثبت آثار ملی و تعیین حریم دو اقدام مکمل برای حفاظت از میراث فرهنگی است. با توجه به اینکه تعداد حرائم حریم از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۹۸ تنها در ۸/۸ درصد موارد ثبت شده است، با استرار شرایط موجود، حدود ۵۶۸ سطل لازم است تا کلیه آثار ثبتی موجود دارای حریم مصوب کردند که این وضعیت خطر بزرگی در راستای حفاظت از میراث فرهنگی است. چراکه توسعه شهری و روستایی رقیب اصلی حفاظت از میراث فرهنگی است که تقاضای تبدیل حریم را به عرصه خواهد داشت.

۲ـ غار کرفتو یک اثر ملی است و جزء غارهای شکفت‌انگیز و انگشت‌نما در غرب کشور است که در سال ۱۳۱۸ با شماره ۳۳۰ ثبت ملی شده است و دارای حریم تابع مصوب و متناسب با سال ۱۳۷۷ است. تعیین عرصه و حریم کرفتو محدود به دهانه غار براساس شرایط و وضع موجود منطقه در سال ۱۳۷۷ بوده که خط تعارضات در آن زمان کمتر پیش‌بینی نشده است. اما به‌لحاظ اینکه این مجموعه یک اثر طبیعی ـ تاریخی است و این احتمال می‌رفت که در آینده شاید مسیرها، کانال‌ها و دهلیزهای دیگری با کاوش‌های باستان‌شناسی کشف شوند یک حریم موقت تعیین و نقطه پایانی آن هنوز باز است.

۳ـ این مجموعه باستانی شامل غار کرفتو، غار کانی میکائیل، گول تاریکه، مجسمه کوره خیاط، مجسمه سه کجان، قبرستان تاریخی در ضلع شرقی و جنوبی غار و... است. این اثر باشکوه دارای سبک معماری منحصربه‌فرد و دارای کانال‌ها، مسیرها و دهلیزهای طبیعی ماه‌دار و اسرارآمیز است که هنوز تعداد زیادی از آنها کشف و شناسایی نشده است. در همین راستا به عقیده اکثر باستان‌شناسان در صورت ادامه بررسی‌های باستان‌شناسی، این احتمال می‌رود که مسیرها و دهلیزهای دیگری کشف شوند و شاید یکی از آنها از مکان کارگاه در حال احداث، سر درآورد.

۴ـ اداره کل میراث فرهنگی استان کردستان، مدافعانه در جهت انکار خطای انسانی و کارشناسی مجموعه، مدام تاکید دارد که کارگاه در حوزه استحفاظی آذربایجان غربی قرار گرفته و «مجموعه تاریخی ـ طبیعی غار کرفتو» در حوزه استحفاظی کردستان و خود را «تافته جدا بافته» می‌داند. در دفاعیات خود بدون در نظر گرفتن ملی‌بودن اثر تاریخی ـ طبیعی و عواقب احداث و توسعه ساخت‌وسازهای دیگر در آینده مسیر تعارض و تجاوز در عرصه و حریم یک اثر با ارزش ملی را که مختص کل کشور است و ارزش جهانی‌شدن را دارد، نیاز می‌کند. تا به این طریق یک مجموعه باستانی چند هزارساله را قربانی یک طرح و یک فرد بنماید. حتی در بازدید معاون محترم میراث فرهنگی آذربایجان غربی از محوطه تاریخی و موقعیت کارگاه احداث‌شده، ایشان ضمن اظهار تأسف، بیان فرموده که کارشناس ما نباید در نزدیکی چنین اثر شکوهمندی اقدام به صدور بلامانعی می‌کرد. قبل مساعد حل مسئله را دادند؛ اما متأسفانه روند کاملا خلاف گفته‌ها و دیدگاه مدیر کل استان در قبال آن مسئول هستند.

۵ـ وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی علی‌رغم قول مساعد وزیر محترم میراث فرهنگی، در جریان دو بار سفر به استان کردستان به همراه ریاست محترم جمهور، تاکنون احدی از کارشناسان آن حوزه را جهت بررسی موضوع از لحاظ تمامی جوانب ازجمله دامنه و عمق غار، مسیرهای کشف‌نشده، فاصله قبرستان‌های تاریخی ساکنان وقت «مجموعه تاریخی ـ طبیعی غار کرفتو» تا محل کارگاه بوجاری و محوطه غار و... نفرستاده است. مثلا فاصله قبرستان تاریخی شیخ شرقی محوطه غار تا محل کارگاه کمتر از ۵۰۰ متر می‌باشد و این خود یک بحران است.

۶ـ شواهد و نقد رسانه‌های محلی شهرستان تکاب از اداره میراث فرهنگی در فروردین‌ماه ۱۴۰۳ راجع به وضعیت اسف‌بار و تخریب یل تاریخی جم بزرگ [ساروق] (دوران صفوی) و نحوه مدیریت محوطه جهانی تخت سلیمان نشان می‌دهد که میراث آذربایجان غربی رویه بی‌تفاوتی در بحث حفاظت و نگهداری از آثار تاریخی را در پیش گرفته است. پس الزاما «مجموعه تاریخی ـ طبیعی غار کرفتو» هم برای آنها زیاد حائز اهمیت نیست.

۷ـ چون محوطه کرفتو یک اثر ملی است، اداره کل میراث آذربایجان غربی بایستی قبل از امضای نامه با اداره کل میراث کردستان رایزنی و هماهنگی می‌کرد که متاسفانه هیچ سندی دال بر موضوع مذکور موجود نیست.

۸ـ متاسفانه طبق شنیده‌ها، وزارت میراث فرهنگی، به رویه مخالفت گسترده مردم، منتقدان و صاحب‌نظران و تذکر نماینده مردم کردستان در مجلس شورای اسلامی به وزیر میراث فرهنگی (تصویر ۴) و جمع‌آوری امضای دستی مردم شهرستان، بعد از هشت ماه مقاومت مدیر کل و معاونت میراث کردستان به‌واسطه سفارش‌های خارج از بدنه وزارتخانه، آنها را جهت صور بلامانعی تحت فشار قرار داده و نهایتا راه‌اندازی یک کارگاه بوجاری که زیاد هم ضروری نیست بر منافع عمومی مملکت ترجیح و نمونه آن در جای‌جای کشور و تجمع واقدامی دو کاوارسای جهانی در سمنان، تعارض در بافت تاریخی شیراز و به این طریق انتقادات زیادی موردتوجه وزارت میراث فرهنگی شده است.

۹ـ در دفاعیات مالک محترم بوجاری اشاره کرده‌اند که بازه فعالیت کارگاه در سال دو ماه است و طبق پیش‌بینی و اظهار خودشان امتثال‌ناپذیری برای ۱۱ نفر می‌باشد، آیا در یک بازه زمانی کوتاه دوماهه ایجاد اشتغال برای ۱۱ نفر امکان‌پذیر است؟ باید پرسید چند لیست بیمه تاکنون برای این ۱۱ نفر رد کرده است؟ بنابراین برای دو ماه فعالیت مصلحت نیست امنیت منطقه را به خطر انداخت. همچنین با ثبت در فهرست میراث جهانی دگرگونی که در اقتصاد منطقه از طریق گردشگر ایجاد خواهد کرد با اشتغال دو ماه کارگاه بوجاری قیاس‌مع‌الفارق است. از طرفی کارگاه بوجاری ایشان نوع صنعت وابسته و جزء اولویت دهم است و می‌تواند بسته‌بندی را در خانه یا جز دیگر هم انجام دهد.

۱۰ـ مالک کارگاه یکی از کشاورزان عمده منطقه بوده و چندین قطعه زمین کشاورزی در اطراف روستای خود دارند که می‌توانست کارگاه را در یکی از این زمین‌ها یا در یکی از روستاهای اطراف احداث کند. چیرا اصرار بر اجرا در چنین نقطه‌ای و در فاصله ۷۰۰ متری «مجموعه تاریخی ـ طبیعی غار کرفتو» دارند؟ چه‌بسا که چندین دفعه از طرف مسئولان شهرستان دشت‌بیل و استان کردستان خواهش گردیده که از حریم و نزدیکی مجموعه تاریخی خارج و در یکی از روستاهای اطراف که حوزه دیوانده است؛ سرمایه‌گذاری نمایند. حتی با اینکه قول واگذاری زمین و امتیازات هم داده شده، باز مالک محترم موافقت نکردند.

۱۱ـ فاصله دقیق کارگاه از روی سطح دهلیز ضلع شرقی غار (یکی از زیباترین دهلیزهای طبیعی کرفتو) که هنوز کاوش نشده است ۷۰۰ متر است.

۱۲ـ جیرا اداره کل میراث فرهنگی آذربایجان غربی در جلسه‌ای در مورخ ۱۴۰۲/۹/۱۹ به پیشنهاد دادستان محترم عمومی و انقلاب مرکز آذربایجان غربی برگزار گردیده است. از کارشناسان استان کردستان جهت ابراز نظرات کارشناسی هر دو استان دعوت به عمل نیاورده است. درحالی‌که بیان می‌دارد که غار کرفتو در حوزه استحفاظی کردستان است پس نظرات کارشناسی مجموعه میراث‌فرهنگی کردستان ارجح‌تر خواهد بود.

۱۳ـ کارگاه بوجاری برای ادامه روند کار نیاز به مقدار زیادی آب دارد و قطعا چنین چیزی یا حفر چاه امکان‌پذیر خواهد بود؛ آیا از نظر علمی و باستان‌شناسی حفاری یا عمق زیاد و در فاصله خیلی نزدیک از یک مجموعه تاریخی ۵۰۰۰ ساله مجاز و قانونی است و در آینده چشمه طبیعی کرفتو را که هرساله آب مورد نیاز چندین هزار بازدیدکننده و زمینی‌های پیرامون آن تامین می‌کند؛ همچون چشمه‌علی شهر دچار مشکل نخواهد کرد؟ (نامه مورخ ۱۴۰۲/۹/۱۳ کارشناس و تکنسین منابع آب شهرستان دیواندره).

۱۴ـ تخریب و دیوی خاک در فضای حدود ۵۰۰۰ متری اراضی ملی ضلع شرقی کارگاه نشان از ایجاد اعیانی به‌منظور تصرفات محدوده توسط مالک است و فضای قانونی کارگاه طبق مجوز صادره ۱۰۰۰ متر و آن‌هم در زمین کشاورزی خود مالک است. درحالی‌که در جلسه برگزارشده مورخ ۱۴۰۲/۹/۱۹ در دفتر دادستان محترم عمومی آذربایجان غربی بدون بازدید کارشناسان آن حوزه، به غیرملی‌بودن اراضی اشاره شده است.

۱۵ـ با توجه به حریم ناقص مصوب سال ۱۳۷۷ مجموعه تاریخی-طبیعی کرفتو بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی پس از آنکه منجر به کشف شناسایی محوطه چندی شده، نیازمند بازبینی حریم موجود از سوی گروهی خبره زیر نظر پژوهشکده باستان‌شناسی است؛ بنابراین تا اعلام نظر پژوهشکده باستان‌شناسی هرگونه فعالیت عمرانی به‌ویژه طرح بوجاری می‌بایست به حالت تعلیق درآید.

۱۶ـ اولین اثر ثبت جهانی بعد از انقلاب مجموعه میراث‌جهانی تخت سلیمان در سال ۱۳۸۳ است؛ بنابراین، در سال ۱۳۷۷ زمانی‌که حریم مجموعه تاریخی-طبیعی کرفتو مصوب شده، درک درست و دقیقی از مسائل میراث جهانی و ضوابط آن وجود نداشته و از آن سال تاکنون که حدود ۳۰ سال می‌گذرد، نیازمند فراوانی دیدگاه برای درایه مفاهیم و قوانین این حوزه صورت گرفته است؛ بنابراین ضروری است با رویکرد ضوابط و مقررات حفاظت از آثار تاریخی که یک امر جهانی و به‌روز است، عرصه و حریم این مجموعه جدید سریع‌تر توسط پژوهشگاه میراث فرهنگی و پژوهشکده باستان‌شناسی مجدد مورد ارزیابی و بازنگری قرار گیرد.

در خاتمه، تمام تلاش مردم، منتقدان و صاحب‌نظران این است که با هر وجود جنابعالی قانون ناظوشته تضاد منافع که مسئولان ذی‌ربط فرضی را برای فروخت جویان فراهم کرده، در اختیار آنها قرار نگیرد و بتوان از میراث و دارایی‌های فرهنگی و تمدنی این سرزمین حفاظت کرد تا به دست نسل آینده برسند.

ویژگی‌های غار کرفتو

غار کرفتو در مورخ ۲۰ بهمن ۱۳۱۸، به دلیل ارزش‌های میراثی چشمگیر با شماره ثبت ۳۳۰ به فهرست میراث ملی کشور راه یافته است. این غار یکی از غارهای سرآرامیز و شگفت‌انگیز ایران است و از بزرگترین غارهای باستانی کشور محسوب می‌شود. این غار در استان کردستان، در یک رشته کوه آهکی در شمال دره‌های عمیق و زیبا جای گرفته است و در اطراف آن نیاهگاه‌ها، دخمه‌ها و حوزه‌های متعددی دیده می‌شود.

این میراث کهن از جاذبه‌های دیدنی شهرستان دیواندره به شمار می‌رود و دارای معماری خاص‌ویژگی و دستکند است و بقایای فرهنگی متعددی از آنجا به دست آمده و در دوره‌های مختلف از پیش از تاریخ تا دوره اشکانی مورد استفاده انسان قرار گرفته است. این اثر تاریخی و باستانی به دلیل ویژگی‌ای خاص از جمله جاذبه‌های شگفت‌انگیز کردشگری و تاریخی استان کردستان به شمار می‌رود و در طول ایام سال، نگاه مسافران و گردشگران زیادی از اقصا نقاط کشور و جهان را به خود جلب می‌کند.

غار کرفتو در حدود ۶۷ کیلومتری شمال غرب شهرستان دیواندره و ۷۰ کیلومتری شرق سنندج قرار دارد. این غار در میان روستاهای مسعوداباد و ترکان‌بلاغ دیواندره از جنوب، روستای میرسعید شرق از غرب، روستای علی‌آباد و نخود ده تکاب از شمال و روستای بوزباش‌کندی از شرق و جنوب شرق جای گرفته است.

غار آهکی کرفتو از دوران سوم زمین‌شناسی یعنی مزوزوئیک، در زیر آب قرار داشته و در اواخر این دوران از آب خارج شده است. از درون این غار، کتیبه‌ای به خط یونانی به دست آمده است که نشان می‌دهد احتمالا کرفتو مدتی مورد سکونت سلوکیان بوده است.

غار کرفتو در چهار طبقه شامل دو بخش طبیعی و دست‌کند است که در دوران دوم زمین‌شناسی شکل گرفته و از نوع غارهای آهکی است که بخش طبیعی آن دالانی به طول ۷۵۰ متر دارد.

قسمت جلویی غار که محل سکونت انسان است و قدمتی بیش از سه هزار سال دارد شامل هفت اتاق و ۹ راهرو در چهار طبقه است که رمز و راز این غار را دوچندان می‌کند.

دهانه ورودی غار کرفتو در ارتفاع ۲۰ تا ۲۵ متری از دامنه کوه قرار دارد که در کذشته پلکانی برای دسترسی به آن وجود نداشت؛ اما اکنون با کمک ۱۸۰ پله می‌توانید به‌راحتی از آن بالا بروید.

این غار دارای تالارهایی با ارتفاع بالا، مسیرهای پرپیچ‌وخم، دالان‌ها و دهانه‌های متعددی است که به یکدیگر راه دارند و تاکنون کسی قادر به شناسایی تمامی این مسیرها و تهیه نقشه کامل از آن نبوده است.

در قسمت جلوی غار کرفتو چهار طبقه معماری صخره‌ای و دست‌کند نیز وجود دارد، در هر طبقه اتاق‌هایی تودرتو و نورگیرهایی به سمت بیرون غار دیده می‌شود. طبقه چهارم غار بهترین دید را به کوه مقابل دارد که به گفته مردمان محلی، دارای شکلی شبیه به سه دختر و یک مرد خیاط است.

نگاه

میراث شناختی پنج انگشت ابرکوه

میراث آریا: محدوده کوه پنج انگشت و عرصه‌های کفه‌ای اطراف آن یکی از عرصه‌های طبیعی، بکر و تقریبا دست‌نخورده‌ای است که اکوسیستمی بسیار ارزشمند دارد و محدوده دیرین‌شناسی مهمی محسوب می‌شود.

با عبور از روستای اسفندآباد و در مسیر جاده آسفالت به سمت مروست، پس از طی ۸ کیلومتر و بعد از گذر از روستای هاروئی با قلعه بسیار قدیمی و سابقه تاریخی‌اش، گوهی کم‌ارتفاع در فاصله نزدیکی به جاده خودنمایی می‌کند. این کوه با فرم خاصی که دارد، کوه پنج انگشت نام دارد. ابرکوه در کذشته از زیستگاه‌های مهم حیات وحش در فلات مرکزی ایران بود که تا اواخر دهه ۴۰ تعدادی کوهرخ، آهو و جبر در آن زیست می‌کردند. حتی در گزارش‌های اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت، از کفه (کویر) ابرکوه به‌عنوان یکی از زیستگاه‌های خوب کوهرخ در ایران یاد شده است. دشت‌های این شهرستان از یک طرف به تالاب کاوخونی و از جنوب تا بهرام گور فارس و از طرف غرب به کوه‌های زاگرس و از شرق به کویر ابرکوه - مروست شهرستان خاتم متنهی می‌شود. این منطقه با توجه به گستردگی و تنوع زیستگاهی عامل پیدایش تنوع حیات وحش و غنای زیستی است. میراث شناختی پنج انگشت ابرکوه در حاشیه کفه نمک ابرکوه قرار گرفته و شامل کوه پنج انگشت، پهنه‌ای با حیات وحش در حال انقراض و سایت باستانی اسانی - قسیلی است.

درحال‌حاضر سایت تکثیر کوهرخ ایرانی در این منطقه و در نزدیکی کوه پنج انگشت ایجاد شده که روند انقراض این گونه نادر را متوقف کرده است. علاوه‌بر گونه‌های مختلفی از پرندگان، گربه‌سانان و دیگر پستانداران در این منطقه زیست می‌کنند. قدمت این منطقه را می‌توان دوره اول تا اواخر دوره سوم زمین‌شناسی (کواترنری) دانست. کوه پنج انگشت با وجود ارتفاع کم، به سبب شکل ویژه‌ای که دارد و از دور شبیه انگشتان دست انسان است، یکی از کوه‌های معروف شهرستان ابرکوه محسوب می‌شود. این منطقه یکی از زیستگاه‌های حیات وحش شهرستان ابرکوه است و گونه‌های مختلفی مانند کوهرخ ایرانی در منطقه زیست می‌کنند. در اطراف این منطقه به سبب وجود شرایط مساعد دما و فشار، فسیل‌های زیادی از جانوران و گیاهان دوره‌ای مربوط به دو تا پنج میلیون سال پیش، شکل گرفته و برخی از آنها تا به حال سالم و به شکل کامل باقی مانده که فسیل شاخص محسوب شده و جهت مطالعات زمین‌شناسی، زیست‌شناسی، دیرین‌شناسی و... کاربرد زیادی دارد. این در حالی است که این منطقه از منظر طبیعی در بین دو منطقه نمکزار و کوهستانی قرار دارد که بخش شمالی آن درگذشته به‌چندان دور یک باتلاق و نمکزار طبیعی بوده و بخش جنوبی آن کوه‌های زنجیر مانند زاگرس است. مضاف بر موارد یادشده، اشیای تاریخی از ادوار پیش از تاریخ و تاریخی از اطراف این منطقه کشف شده که از این بین، کشف یک سر سیکان تاریخی بسیار درخورتوجه بوده است. ظاهرا این پیکان مربوط به دوران ماقبل تاریخ است. ولی تعیین سن دقیق آن نیازمند آزمایش‌ها و مطالعات بیشتری است.

فسیل‌های یافت‌شده در منطقه که غالبا بقایای برجای‌مانده از گیاهان و جانوران قدیمی است که در دوره ژوراسیک و ماقبل آن در آب‌های این منطقه می‌زیسته‌اند، با توجه به رنگ آنها (کرم و شیری‌رنگ) مربوط به دوران الیگوسن تا میوسن (دوران چهارم) هستند. کفه ابرکوه با وسعت هزارو ۵۹۰ کیلومترمربع و ارتفاع هزار و ۴۴۱ متر از سطح دریا در شرق شهرستان ابرکوه واقع شده و از میان ۱۵۶ گونه گیاهی یافت‌شده در این منطقه، دارای ۳۱ گونه گیاهی دارویی است. بیشترین گونه دارویی این منطقه متعلق به خانواده‌های Brassicaceae و Labiatae است. گیاهان یادشده از نظر جغرافیای گیاهی متعلق به مناطق ایران-تورانی، مدیترانه‌ای، صحارا-سندی و جهانی هستند. این ۳۱ گونه متعلق به ۱۸ تیره بوده که بیشترین گونه‌های دارویی در تیره‌های نعناع و شب‌بو قرار دارند. از مهمترین گونه‌های گیاهی منطقه می‌توان به درمنه، انیسون، قیچ، زنیان، کاشم، کاتم، کاکوتی، خرفه، عجوه، جوزه، نسی، شیخ، انجیرکوهی و بادام کوهی اشاره کرد. پیش‌زایی در قسمت‌های شمال شرق و شرق منطقه جنگل‌های یکدست و تقریبا تنوع گونه‌ها و تنوع دامنه‌ای که بر آن برخاست بی‌رویه به منظور استفاده به‌عنوان هیزم و زغال از بین رفته و درحال‌حاضر تنها در برخی نقاط به شکل پاچوش بعضی از پایه‌ها مشاهده می‌شود.

همان‌گونه که به آن اشاره شد، سایت تکثیر کوهرخ ایرانی در فاصله کمی از این (کوه پنج انگشت) قرار گرفته است که به کفته کارشناسان محیط زیست به سبب ویژگی‌های آب‌وهوایی، یکی از موفق‌ترین سایت‌های تکثیر کشور است.

علاوه بر آن گونه‌های دیگری مانند جبیر، آهو، روباه، میش، بز و... نیز در این منطقه زیست می‌کنند. این نشان‌دهنده سابقه حضور این گونه در حال انقراض در منطقه است. این سایت به وسعت ۱۷۰ هکتار در ۶۰ کیلومتری شهر ابرکوه در مجاورت سایت تکثیر کوهرخ ایرانی در راه شهرستان خاتم، میبدی، آهو، خرکوش، کفتار، روباه معمولی و انواع خوندکان از مهمترین پستانداران منطقه هستند. شواهد و سوابق موجود حاکی از وجود جمعیت‌هایی از گونه‌های دشتری به‌ویژه کوهرخ، آهو، جبیر، روباه و کفتار در این منطقه و دشت‌های مجاور آن است. درواقع چنین زیستگاه دشتی وسیعی نامی‌کننده نیازهای زیستی این گونه‌هاست. از مهمترین پرندگان منطقه می‌توان به راغ نوپر، باقوره شکم‌سیاه، هوبره، چکاوک کاکلی، کبوتر صخرای، جاج، کبک، تیهو، دلیجه و انواع مختلفی از پرندگان مهاجر زمستانه و پرندگان شکاری اشاره کرد. جمعا به‌ویژه در اطراف اراضی کشاورزی و نیزارهای منطقه درخورتوجه است. به طور کلی در این منطقه گونه‌هایی متنوعی از پرندگان، خزندگان و پستانداران شناسایی شده که برخی از این گونه‌ها در اولویت حفاظتی قرار دارند. درحال‌حاضر این محدوده شامل کوه پنج انگشت و سایت فسیلی اطراف آن است که از معروفیت نسبتا بالایی در میان اهالی بومی منطقه برخوردار است. به گونه‌ای که در موارد زیادی مشاهده شده که برای جمع‌آوری فسیل به این منطقه مراجعه می‌کنند.

این اثر به دلایل ذیل دارای اهمیت زیادی بوده و برای حفاظت آن تلاش بیشتری باید انجام شود.

- وجود فسیل‌های جیندمیلیون‌ساله در این منطقه
- وجود کفه نمکی ابرکوه در این منطقه و نقش اقتصادی آن
- وجود چند گونه گیاهی و جانوری در فهرست IUCN در منطقه که زندگی آنها وابسته به منابع آبی محدود منطقه است. به‌ویژه هوبره و زاغ بور
- وجود برخی حیرانات آبی (چشمه) در دل بیابان‌های ابرکوه
- احتمال بالای تخریب آب به واسطه استحصال بی‌رویه برای مصارف معدنی و صنعتی منطقه
- زیبایی خیره‌کننده این اثر در تمام فصول سال
- وجود فعالیت شکار در منطقه به‌وفور
- برخورداری از وسعت و فضای مناسب برای حفاظت
- اکوسیستم حساس و شکننده
- هجوم بدون برنامه و مدیریت قدرکسران در برخی از ایام خاص سال و خطر صدمه به آن و مناظر طبیعی اطراف
- وجود سابقه حضور گور ایرانی در محدوده این سایت و نیز وجود سایت پرورش کوهرخ از نقاط شاخص این سایت

این محدوده محل حوچه‌آوری و زندگی کونه ارزشمند بالایان است.

میراث شناختی پنج انگشت ابرکوه به لحاظ ویژگی‌های زمین‌ساختی و ژئومورفولوژی واجد ارزش بوده و نیازمند حفاظت است. آثار متعددی از حیات، نظیر فسیل‌های چندین میلیون‌ساله و نیز آثار دست‌ساخته انسان مربوط به هزاران سال قبل در این محدوده پراکنده شده است و درواقع جزئی از هویت و دارای